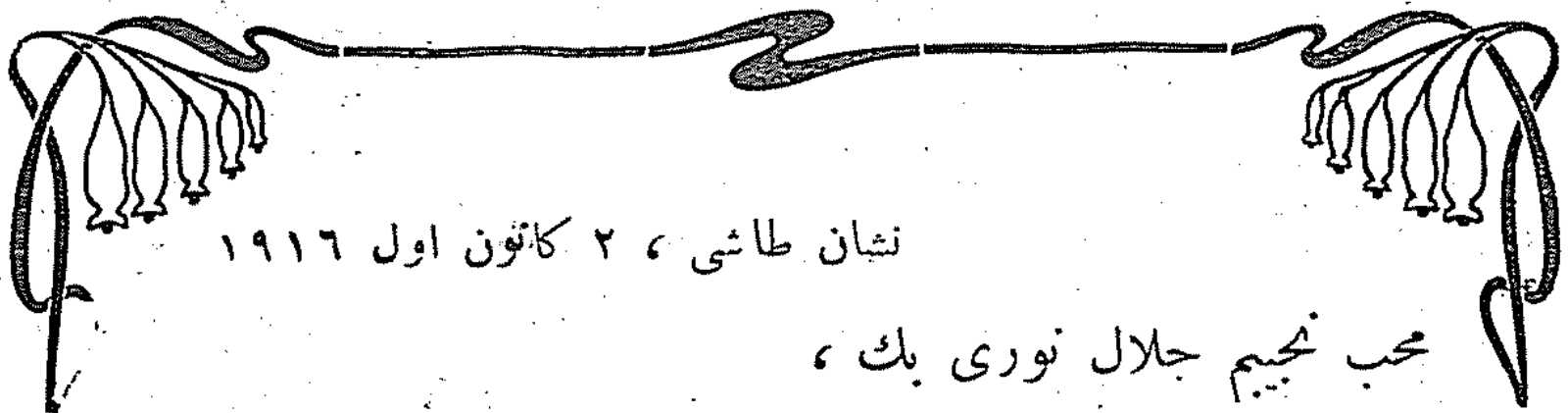


ادبیات عمومی و تجربی

هفته‌لق سیاسی ، ادبی و علمی غزته‌در

جلد : ۱

سنه : ۱ ۲۰ صفر ۱۳۳۵ جمعه ایرتسی ۳ کانون اول ۱۳۳۲ نومرو ۷



نشان طاشی ، ۲ کانون اول ۱۹۱۶

محب نجیم جلال نوری بك ،

« ادبیات عمومی و تجربی » نك ايلك نسخه‌سی اوقوركن ، بر صحیفه‌سنده کی اجوبه‌دن طولانی
رنجیده ذوق اولدیغنی سزدن کتم ایتمشدم . دائماً استقباله و دائماً کاله معطوف اولسنی ایستدیگم
انظار ذکا کزی ، شونك بونك انقاص ضلالی اوزرنده بر دقیقه ، بر ثانیه اولسون کزینیر کورمك
بی متأثر و مشتکی ایدر .

فقط نسخ‌تالیه ؛ انفعالی تسکین‌ایله آرزولرمی تطمین ایتدی . احتوا ایتدیکی مباحث ، اصحاب
اختصاص طرفندن مدققانه یازلمش ؛ حادثات جاریه‌بی کونی کونه تعقیب ایدر بر مجموعه‌یه بوقومك
احتیاجی واردر . اویله‌ظن ایدیور و کورییورم که « ادبیات عمومی و تجربی » اواحتیاجك مطرد بر واسطه
استیفاسی اوله‌جق . بوعاجزی معاونین قلمیه‌سندن زیاده ، قارئین متشکرها سی میاننده کورر سه جداً
افتخار ایدرم .

هر مقاله کی اوچنجی نسخه‌ده کی (چیچك انجمن داشی) بندینی ده دقتله اوقودم . اجداد منك
مفاخره‌سیه سی میاننده بحق لائق تعداد اولان شکوفه پرستك حقنده تدقیقات دورادوره مستند
معلومات ایله جواد رشدی بك تاریخمزه خدمت ایدیور . لاله‌حقنده کی تدقیقاتی نه قدر قیمتمدار! . .
کاشکی (لاله) نك ادبیات ایله مناسبتی تدقیق و تعیین ایده‌جك بر صاحب همت ده اولسه !
شوکت بحارینك ،

زان برق بی نمود جهان لاله‌زار شد
كلشن پراز كل است و بهار از میان گم است ! . . .

عثمانی و ایران

ایرانك اك بويوك عصر حاضر شاعر و ناثر لرندن آقاي حاج ميرزا نجی حضرتلرينك بالخاصه مجموعه من ايچون يازميش اولدقلى مقاله مبروكه نى حسين دانش بك برادرىمى ترجمه ايتملردر. اصليله ترجمه سنى كمال حرمله درج ايدىورز :

مسئله لزوم صمیمیت عثمانی و ایران سالها است مطرح انظار دانشمندان هر دو دیار است. ولکن کوه دستی هر دو ملت از معلومات لازمه بقدر ضرورت بضمیمه محذورات خارجه بگذارده است از روی نظریات سیاسی و فلسفی و در سایه دیده بانی دور اندیشی و عاقبت بینی این مسئله آن طور که باید و شاید صورت حصول یابد تا آنکه بمضمون (من لم یؤدبه الا یوان یؤدبه الحدیثان) حوادث واقعه و پیش آمد احوال زمان راه های دور را نزدیک کرد، پرده هارا از برابر دیده ها بر طرف ساخت، تصور نا که نیبادا بدلیل حس مدلل داشت بحدی که اکنون پیران درخشت خام میبینند آنچه را که جوانان در آینه نمیدیدند. یعنی افکار غربیان در خصوص شرق عموماً و در باره ممالک اسلامیّه خصوصاً از پرده برون افتاده این نتیجه بدست آمد :

«عثمانیان و ایرانیان اگر دست و پای خود را جمع ننموده و سائل حیاتی خویش را هر چه زودتر فراهم نیاورند، نمیتوانند بر وشی آتیه خود امید وار بوده باشند.» در این صورت اگر نبود هیچ مناسبت مابین این دو ملت مگر اشتراك نفع و ضرر، هر آینه کافی بود برای لزوم اتحاد و صمیمیت چه رسد که مناسبات دیگر هم در کار است که هر يك اذ آنها برای نزدیک بودن این دو ملت بیکدیگر عامل قوی شمرده میشوند.

دست طبیعت خاک این دو مملکت را بهم پیوسته؛ مسائل فکریه این دو ملت طوری بایکدیگر مربوط است که انفکاکش مستحیل مینماید و از همه مهمتر مسئله اتحاد دینی است که روح این دو ملت را باهم نزدیک دارد.

درست است که در قرنهای اخیر هر دو ملت بفروع مختصه مذهبی خود فوق العاده اظهار علاقه داری نمودند ولکن بدیهی است که اختلافات فرعی باصول و اساس خللی نمیرساند.

و اگر روزی باقتضای سیاست وقت این اختلاف جزئی اثر جدائی بخشیده، دلیل نمیشود که باتبدل زمان که ضرورت مقتضیات نیز تبدل مییابد اثر جدائی مزبور باقی بماند و تغییر ننماید.

بهر صورت، عثمانیان و ایرانیان باید بدانند که من بعد حیات ملی و استقلالی آنها مربوط است بصمیمی بودن بایکدیگر و برای فراهم آوردن موجبات حصول وادامه آن بجمیع وسائل ممکنه باید توسل نمایند.

در این حال خاطر محترم را در آن عثمانی خود را متذکر میسازم که بذریعۀ مودتی که از ایشان بدست منور الافکارن ایران در مزرعۀ دل‌های ایرانیان پاشیده شده، سرسبز و خرم گشته، چنانچه در همین حوادث اخیر هم آثار نشوونمای آن نجوبی هویدا گشت و پس از برچیده شدن پردۀ که بمصلحت وقت بروی حوادث واقعۀ کشیده شده، بوادران عثمانی مابنجوبی تصدیق خواهند کرد که ایرانیان در این موقع خطرناکه در راه برادری و فداکاری بقدر مقدور دقیقه فروگذار نکرده اند.

امید داریم نهال محبت ایرانیان هم که بدست دانشمندان عثمانی در اراضی وجود ملت خود غرس شده نمو متقابل نموده موجب ضرید استحکام اساس صمیمیت این دو ملت گشته بزور بازوی اتفاق و اتحاد از منافع مشترکه بهره مند گردند و مضرت‌های مشترکه را دفع و رفع نمایند. وبالاخره عنصر وحدانی ایرانی، باوصف ایرانیت و جعفریت، رکن معظم اساس اسلامیت و برادر صمیمی ملت با احتشام عثمانی بوده باشد.

(ماج میرزا نجفی)

*
* *

عثمانیلر و ایرانیلر

عثمانیلر ایله ایرانیلر آراسنه صمیمیتك لزوم تأسیسی بر چوق سنه‌لردنبرو هر ایکی مملکتك عقلانسنجه مطلوب و ملتزم بر کیفیت ایدی. شو قدرکه هر ایکی ملتك یکدیگرینی شمدی به قدر کافی درجاده طانیه مامش اوله سنه منظم اولان دیگر بر طاقم موانع خارجییه بومسأله‌نك دور اندیشانه و عاقبتینانه تدقیق ایدیه‌رك نظریات مستحسنه سیاسییه موافق بر نتیجه‌یه ایصالنه جائل اولمشیدی. الك صوکره، (من لم يؤدبه الابوان يؤدبه الزمان) کلام حکیمانه سنه ماصدق اولان بوا یکی ملتی شدتله ایقاظ ایده‌جك صورتده ساحه ظهوره کلن حادثات ده‌ریه اوزاق یوللری یاقینلاشدردی، کوزلردن پرده‌لری قالدردی، مستحیلاتی ممکناته تحویل ایتدی و غرب ملتیرنك شرق ملتیری و خصوصاً ملل مسلمنه حقنده دوشوندکلرینی عیاناً اورتیه قویدی و آکلاشادی که اگر عثمانیلر و ایرانیلر کندیلرینی درله یوب طوبلا یوب اسیاب ادامه موجودیته سریعاً توسل ایتیه‌جك اولورلر ایه، استقباللری پك مظلومدره دییه بیلیرم که اگر عثمانیلر ایله ایرانیلر آراسنده یالکز یکدیگرینك منفعت و مضرتنده شریک اولقدن باشقه بر رابطه موجود اولماسه ایدی بیله ینه بوا و نلرک آراسنده اتحاد و صمیمیتك تأسیس ایتیه سنه کافی ایدی. حال بوکه ملتن بیننده دیگر اویله مناسبتر واردرکه اونلرک یکدیگریله قوجا قلاشمه‌سی ایچون برر عامل قوی عد اولونه بیلیر. دست طبیعت بوا یکی مملکتك اراضیسنی بر برینه عادتاً وصل ایتمش و مسائل فکریه دخی اونلری یکدیگرینه اوته‌دنبرو، انفکاکلری ممکن اولمایه حق صورتده، باغلامشدر. بونلرک هپسندن مهم اولان رابطه ایکی ملتك روحنی یکدیگرینه قاووشد رمش اولان وحدت دینه‌در.

هر نه قدر قرون اخیرده هر ایکی ملت تفرعات مذهبییه‌لرینه پك فضله علاقه‌دار کورو و عیشلر ایه‌ده.